

مجله علمی علوم اسلامی انسانی (سال هفدهم) / ص ۱۱۰-۱۱۹ / پیاپی ۷ / سال ۱۳۹۸

## سیاست‌های امام علی (ع) در امور کشورداری از دیدگاه نهج‌البلاغه

تاریخ دریافت مقاله: مرداد ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش مقاله: شهریور ۱۳۹۸

### احسان طالبی<sup>۱</sup>، مصطفی مزارعی<sup>۲</sup>، فاطمه ایرجی زاده<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی پیوسته علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، مرکز سلمان فارسی، شیراز

<sup>۲</sup> کارشناسی پیوسته علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، مرکز سلمان فارسی، شیراز

<sup>۳</sup> کارشناسی پیوسته الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، مرکز حضرت معصومه، قم

نویسنده مسئول:

احسان طالبی

### چکیده

اگر سیاست را تدبیر مُدُن یا اداره و مدیریت بر جامعه بنامیم دوره کوتاه حکومت حضرت علی(ع) بی‌شک ارزشمندترین میراث نظری و گران‌بهاترین تجربه عملی در عرصه اندیشه و عمل سیاسی است. دوره زمامداری ایشان اگر چه کوتاه و کمتر از پنج سال بود؛ اما به معنای کامل اخلاق سیاسی را در ابعاد مختلف حاکمیت عملی و رفتاری خود محقق کرد تحقیق حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی تحلیلی به بررسی برخی از سیاست‌های امام علی در امور کشورداری از دیدگاه نهج‌البلاغه می‌پردازد، در این مقاله ضمن معرفی کتاب گران‌سیگ نهج‌البلاغه نمونه‌هایی از سیاست‌های حضرت علی(ع) در زمینه‌های مختلف امور کشورداری را در قالب شواهد و مستندات آوردیم که از آیات قرآن برای تأیید و تکمیل سیاست‌ها بهره برده‌ایم، نهج‌البلاغه بعد از قرآن کریم، بهترین منبع برای واکاوی مباحث اسلامی در همه زمینه‌ها است لذا تلاش بر آن بوده با توجه به اهمیت سیاست در امور مربوط به اداره کشور بهخصوص در شرایط کنونی با سرلوحه قراردادن مفاهیم برآمده از این کتاب ما را در اداره امور سیاسی کشور راهگشا باشد.

کلمات کلیدی: سیاست، کشورداری، نهج‌البلاغه، حضرت علی(ع).

**مقدمه**

سیاست از دو بخش نظری و عملی تشکیل شده است. در بخش نظری مبانی، مفاهیم، اهداف و روش‌ها و در بخش عملی شیوه اجرا و طراحی و برنامه‌ریزی مورد تأکید است. واژه «سیاست» از ماده «سوسن» گرفته شده است که به معنای ریاست و خلق و خو و طبع است، چنان‌که گویند «ساس الامر سیاسه قام به» یعنی به آن کار قیام کرد و «السیاسه قیام علی الشیء بما يصلحه» یعنی سیاست و قیام کردن و اقدام نمودن بر چیزی برای به سامان آوردن و اصلاح کردن آن است [۱]. هم‌چنین «سیاست» به معنای حکم راندن، ریاست، مصلحت، دوراندیشی، تدبیر، تربیت، تأدیب و محافظت است. «سائنس» که جمع آن «ساسه» و «سواس» است. به شخص تأدیب کننده و تربیت کننده و حاکم و تدبیر کنند و مدبر گویند و لغت شناسان در تعریف سیاست چنین آورند «سیاست عبارت است از همت گماشتن به اصلاح مردمان با ارشاد و هدایت آنان به سوی راه نجات در دنیا و آخرت».

اهمیت این موضوع چنان است که خداوند در قرآن حدود پانصد آیه با محتوای سیاسی و رهبری جامعه در تمام زمینه‌ها، این موضوع را مورد تأکید قرارداده است. از دیدگاه قرآن، سیاست، تدبیر صالح است. این معنا (تدبیر صالح) موردنظر این آیه است: «وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةً إِذَا قَضَى اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أُمْرًا أُنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ مِنْ أُمْرِهِمْ» که در این صورت، این آیه بار سیاسی عظیمی دارد و می‌خواهد بگوید که اگر کسانی که مسئولیت اداره کشور را عهده‌دارند و مردم به آن‌ها اطمینان دارند، اگر برای تدبیر امور تصمیمی گرفتند، اگر این تصمیم از روی موازین صحیح اجرا شد که این موازین صحیح در اختیار اولو‌الامر است. «مصدق اولی الامر همان صاحبان اصلی حکومت یعنی در درجه اول پیامبر (ص)، امام معمصوم (ع) و جانشینان آن‌ها می‌باشند و در درجه بعد دانشمندانی هستند که در این‌گونه مسائل صاحب‌نظرند» [۲]. اهمیت این پژوهش تطبیق آیات قرآن با شیوه حکومت‌داری امام علی (ع) می‌باشد؛ که سعی شده است علاوه بر بررسی برخی از مهم‌ترین سیاست‌های کشورداری امام علی (ع) از دیدگاه نهج‌البلاغه، مبانی سیاسی حکومت‌داری استناد با آیات قرآن نیز موردمطالعه قرار گیرد.

**پیشینه عملی پژوهش**

در رابطه با موضوع حاضر پژوهش‌های زیادی انجام‌گرفته است از جمله این پژوهش‌ها، پژوهش خواجه سوری، زارعی، محمود‌آبادی (۱۳۹۳) با عنوان «فرهنگ سیاسی مطلوب در فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر» که به بررسی تحلیلی مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی مطلوب در فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر که همانا «مصلحت عمومی» است [۳]. و این عهده‌نامه را یکی از نمونه‌های بارز «عام‌گرایی سیاسی» می‌داند و فرهنگ سیاسی مطلوب را از دیدگاه حضرت علی (ع)، در این پژوهش تبیین می‌کند. همچنین در پژوهش اخوان کاظمی (۱۳۷۹) با عنوان «آرمان‌های حکومت از دیدگاه امام علی (ع)» به این نتیجه رسیدند که از دیدگاه امام علی (ع)، دولت و حکومت و قدرت فانقه، در پرتو حکمرانی هدف نیستند، بلکه ابزاری برای هدایت افراد در سایه حکومت و سعادت مادی و معنوی مردم می‌دانند.

**معرفی کتاب نهج‌البلاغه**

سخن گفتن درباره علی بن ابی طالب (ع) با اثر عظیمش نهج‌البلاغه کار آسانی نیست. نهج‌البلاغه دریایی بیکران که تمام ادبی جهان را به خود متوجه ساخته و برای هیچ انسان آگاه و منصفی جای شک باقی نگذاشته است که مدبر آن تنها علی ابن ابی طالب است و به اعتراف تمام دانشمندان از نظر فصاحت و بلاغت پس از قرآن مثل و مانندی ندارد. جرج جرداق مسیحی درباره کتاب نهج‌البلاغه چنین می‌گوید: «در بلاغت فوق بلاغت‌های است، قرآنی است که از مقام خود اندکی فروید آمده، سخنی است که تمام زیبایی‌های عربی را در گذشته و آینده در خود جایی داده است» [۴]. نهج‌البلاغه در میان عالمان شیعه و اهل سنت جایگاه ویژه‌ای دارد و اعجاب همگان را برانگیخته است. ابن ابی الحدید از دانشمندان بزرگ اهل سنت قرن هفتم هجری می‌گوید: «امام علی پیشوای سرور سخنوران و پیشتاز سخن‌گویان است و گویندگان آیین سخنوری و نویسندهان، اسلوب نویسنده‌گی را هم از وی آموختن». (همان:۸) نهج‌البلاغه در هر عرصه‌ای که وارد شده اوج قلعه‌های سخن را نشان می‌دهد.

**۱- معیارهای امام علی (ع) برای انتخاب کارگزاران**

برای انتخاب افراد شایسته در مناصب اداری قرآن کریم امانتداری و توانایی و مسئولیت‌پذیری را معیار مناسبی معرفی می‌کند.

۱-۱- آیه ۵۵ سوره یوسف خداوند از قول حضرت یوسف (ع) می‌فرماید: «قَالَ أَجْعَلْنِي عَلَىٰ خَرَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِظٌ عَلَيْهِ» یوسف به شاه گفت: «مرا به خزانه‌داری مملکت و ضبط دارایی کشور منصوب دار که من در حفظ آن دارایی‌ها دانا و بصیرم» یکی از ویژگی‌های کارگزاران حکومتی، امانتدار بودن و بصیرت داشتن در حفظ اموال حکومتی است، که پیامبر با داشتن این ویژگی‌ها به منصب حکومت‌داری کشور مصر و امین حکومت منصوب شدند. یکی از عواملی که می‌توانست به اهداف حضرت علی (ع) در تحقق جامعه مطلوب خویش کمک نماید، انتخاب کارگزاران شایسته و صالح بود. با تأمل در سخنان حضرت در نهج‌البلاغه مشخص می‌شود که او در انتخاب کارگزاران حکومت دقت لازم را به عمل می‌آورده و متناسب با نوع مسئولیت و وظیفه، ملاک و معیارهایی را در نظر می‌گرفته است. سپس به کارگزاران عالی رتبه خود نیز معیارهای لازم را در انتخاب عناصر تحت امر، توصیه می‌نموده است [۵]. امام علی (ع)، کارگزاران خود را در مسئولیت‌های مختلف سیاسی، نظامی، مالی، اداری، قضایی و ... بر اساس شاخصه‌هایی متناسب با سمت آنان انتخاب می‌کرد. علاوه بر معیارهای عمومی و مشترک در جنبه‌های عقیدتی و اخلاق فردی مانند عقیده به اسلام، ایمان، تقوی، حُسن سابقه و این قبیل ویژگی‌ها، معیارها و شاخصه‌های دیگری را در انتخاب کارگزاران رعایت می‌کرد تا با ایجاد نظام میراثی کارآمد و شایسته، امور مردم به بهترین شکل انجام‌شده و عدالت اجتماعی تحقق یابد. بدین صورت، ایشان دین‌داری و تعهد را با فضیلت گرایی و شایسته‌سالاری تأمّن نمود و کوشش کرد تا حکومت دینی در خدمت مردم را مستقر سازد [۵].

۱-۲- حضرت در نامه‌ای به محمد بن ابی بکر که به سبب عزل شدنش از حکومت مصر دلگیر شده بود دلایل عزل او و انتخاب مالک اشتر را به جای وی بیان نموده است. او در بیان ویژگی‌های مالک می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ الَّذِي كُنْتُ وَلِيَّتُهُ أَمْرَمْصُرَ كَانَ رَجُلًا لَنَا نَاصِحًا وَ عَلَىٰ عَدُوِّنَا شَدِيدًا نَاقِمًا؛ هُمَانَا مَرْدِي رَا كَهْ فَرْمَانَدَارَ مَصْرَ قَرَادَادَهْ بُودَمْ بَهْ دَشْمَنَانَ مَا سَخْتَغَيرَ وَ دَرْهَمَ كَوْبِنَدَهْ بُودَ». [۶]

در این نامه، موارد زیر از جمله معیارهای انتخاب مالک برای مسئولیت فرمانداری مصر، ذکر شده است:

۱. خیرخواهی نسبت به رهبر و امام جامعه
۲. صلابت و قدرت مقابله در برابر دشمن و عدم مسامحة و سازش با مخالفان
۳. توانایی لازم برای انجام مسئولیت [۶]

«... من بنده‌ای از بندگان خدا را به سوی شما فرستادم که در روزهای وحشت نمی‌خوابد و در لحظه‌های ترس از دشمن روی نمی‌گردد، بر بدکاران از شعله‌های آتش تندر است، او مالک پسر حارث مَذْحِجِی است. آنجا که با حق است، سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید، او شمشیری از شمشیرهای خداست که نه تیزی آن کُند می‌شود و نه ضربت آن بی‌اثر است. اگر شما را فرمان کوچ کردن داد، کوچ کنید و اگر گفت بایستید، بایستید که او در پیشروی و عقب‌نشینی و حمله، بدون فرمان من اقدام نمی‌کند. مردم مصر، من شما را بر خود برگزیدم که او را برای شما فرستادم، زیرا او را خیرخواه شما دیدم و سرسختی او را در برابر دشمنان پستیدیم» [۶]. امام (ع) در سخنی اشاره می‌کند که قصد داشته هاشم بن عتبه را برای فرمانداری مصر انتخاب نماید. در بیان علت این انتخاب، به دو ویژگی مهم او اشاره می‌کند که برای اداره ایالت مهمی مانند مصر که مورد طمع معاویه و در معرض تهاجم سپاهیان او قرار داشت، مؤثر بود:

۱. مقاومت و پایداری در برابر دشمن.
۲. شدت و صلابت بر دشمن به‌گونه‌ای که فرصت تاخت و تاز نیابد. [۶]

در عهده‌نامه حضرت به مالک اشتر از کارگزاران برجسته حکومت، معیارهایی در انتخاب مشاوران و وزیران و دیگر نیروهای انسانی ذکر شده که اهتمام و حساسیت ایشان را در تعیین کارگزاران حکومت و شایستگی و سلامت آنان نشان می‌دهد. از دیدگاه او، مشاوران نباید بخیل، ترسو و حریص باشند؛ زیرا فرد بخیل، زمامدار را از نیکوکاری بازمی‌دارد و از تنگdestی می‌ترساند. فرد ترسو در انجام کارها، روحیه زمامدار را سست می‌کند و فرد حریص، حرص را در نظرها زینت می‌دهد. چون ریشه همه این خصلتها، بدگمانی به خداوند است، این افراد از جنبه اعتقادی نیز ضعیف بوده و ویژگی لازم را برای مشورت ندارند؛ اما وزیران، نباید سوءسابقه داشته و قبلًا در خدمت بدکاران و حکام ستمگر بوده باشند، بلکه باید از افراد خوش‌نام، دارای قدرت تفکر و رأی، صراحت بیان در حق‌گویی و کسانی که ستمکاران را یاری نکرده باشند، انتخاب گردد [۶]. «بدترین وزیران تو، کسی است که پیش از تو وزیر بدکاران بوده و در گناهان آنان شرکت داشته، پس مبادا چنین افرادی محروم راز تو باشند، زیرا که آنان یاوران گناهکاران، یاری‌دهنگان ستمکاران‌اند. تو باید جانشینانی بهتر از آنان داشته باشی که قدرت فکری

امثال آن‌ها را داشته، اما گناهان و کردار زشت آن‌ها را نداشته باشند. کسانی که ستمکاری را بر ستمی یاری نکرده و گناهکاری را در گناهی کمک نرسانده باشند. هزینه این‌گونه از افراد بر تو سبک‌تر و یاری‌شان بهتر و مهربانی‌شان بیشتر و دوستی آنان با غیر تو کمتر است. آنان را از خواص و دوستان نزدیک و رازداران خود قرار ده، سپس از میان آنان، افادی را که در حق‌گویی از همه صریح‌ترند و در آنچه را که خدا برای دوستانش نمی‌پسندد تو را مددکار نباشند انتخاب کن، چه خوشایند تو باشد یا ناخوشایند.»[۶]

۱-۳- امام (ع)، افراد عاقل، دانشمند، با تجربه و محظوظ را بهترین کسان برای مشورت می‌داند:  
 «**خَيْرٌ مَنْ شَاعِرٌ ذُو الْنَّهْيِ وَ الْعِلْمِ أَوْلُوا التَّجَارِبَةِ الْحَرَمُ.**» معیار دیگری را که در انتخاب مشاور ذکر کرده، «خداترسی» است. (نامه ۵۳ نهج‌البلاغه) آن حضرت می‌فرمایند: «**شَاوِرٌ فِي أَمْرِكَ الْدِيْنِ يَخْشَوْنَ اللَّهَ تَرْشُدُ.**»

۲- سیاست‌های نظارتی امام علی (ع)  
 ۱-۲- در قرآن کریم در سوره سباء آیه ۱۲ و ۱۳ خداوند درباره نظارت بر رفتار کارگزاران حضرت سلیمان می‌فرماید: «... وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدِيهِ يَأْذِنُ رَبِّهِ، وَمَنْ يَزِغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقُهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ. يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقَدْوَرِ رَاسِيَاتٍ...» و برخی از دیوان به اذن پروردگار در حضورش به خدمت می‌پرداختند و از آن‌ها هر که سر از فرمان ما ببیچد عذاب آتش‌سوزانش می‌چشانیم. آن دیوان بر او هر چه می‌خواست از (کاخ و عمارت و) معابد عالی و نقوش و تمثیل‌ها و ظروف بزرگ مانند حوض‌ها و دیگر های عظیم که بر زمین کار گذاشته بودی همه را می‌ساختند.

۲-۲- حضرت سلیمان نبی (ع) برای نظارت بر کار عمال حکومتی از شیوه‌های حکومتی ویژه استفاده می‌کردند و چون علم و حکمت را خداوند به آن حضرت عنایت فرموده بود. و بهترین روش‌ها را بر می‌گزیدند. در روایات آمده است که گروهی از جنیان که قصد نافرمانی داشتند را کارهای مخصوص به آن‌ها بر دوش آن‌ها می‌نهاد که در عمل بر انسان دشوار می‌نمود. درواقع سیاست حضرت سلیمان نبی (ع) بر این بود که آن‌ها را به نوعی سرگرم کند تا به مردم یا حکومت آسیبی نرسانند. حضرت علی (ع) با نظارت و مواضیت بر رفتار و عملکرد کارگزاران خود و ارائه دستورالعمل‌های مدیریتی و اخلاق اجتماعی و برنامه‌های سازندگی فردی به آنان، مانع از دنیازدگی و رو آوری ایشان به وسوسه‌های نفسانی می‌گردید. این اقدامات که به منظور سالم‌سازی نیروهای انسانی صورت می‌گرفت، در مجموع به تقویت بنیان‌های حکومت و امنیت عمومی جامعه و اعتماد بیشتر مردم به زمامدار می‌انجامید. امام علی (ع)، کارگزاران لائق را تشویق می‌نمودند و مأموریت‌ها و مسؤولیت‌های دیگر می‌دادند و کارگزاران ضعیف و خیانت کار را نکوهش، مؤاخذه و یا برکنار می‌نمود. سخنان او درباره مالک اشتر، محمد بن ابی‌بکر، عمار یاسر و دیگر یاران فدایکار و دلجویی‌های وی از آنان نشان‌دهنده توجه امام به قابلیت‌ها، لیاقت‌ها و فراتر از آن پیوند عاطفی و معنوی با کارگزاران شایسته است [۷].

۳-۲- ایشان در نامه‌ای به عمر بن ابی سلمه مخزومی، فرماندار بحرین، پس از آنکه نعمان بن عجلان زُرقی را در سال ۳۶ هجری به جای وی نصب کرد، چنین از او دلجویی می‌نماید: «هَمَانَا مِنْ نَعْمَانَ ابْنِ عَجْلَانَ زُرْقَى رَا بِهِ فَرْمَانْدَارِي بِهِ بَحْرَى نَصْبَ كَرَدَم، بِيَأْنَكَهُ سَرْزَنْشِي وَ نَكُوهَشِي بِرَاهِ تَوْجُودِ دَاشْتَهِ باشَدَ، تَوْ رَا از فَرْمَانْدَارِي آن سَامَانَ گَرْفَتَم، بِهِ رَاسْتَيِ تَاكِنَونَ زَمَانْدَارِي رَا بِهِ نِيَكِي انجام دادِي و امانت را پرداختی. پس به سوی ما حرکت کن، بِيَأْنَكَهُ مُورَد سوءِ ظُنْنِ قَرَارْگَرْفَتَهِ يا سَرْزَنْشِ شَدَهِ يا مَتَهَمِ بُودَهِ و يا گَناهَكَارِ باشَيِ که تَصَمِيمِ دَارَم به سوی سَمَمَگَرانِ شَامِ حَرَكَتْ كَنَم، دَوْسَتْ دَارَم در اين جنگ با من باشَيِ زَبِرا تو از دلاورانی هستی که در جنگ با دشمن و بِرِپَادَاشْتَنِ ستُونِ دَيْنِ از آنان یارِي می‌طلَبَم.»

۴-۲- در نامه‌ای دیگر به یکی از فرمانداران خود، این‌گونه او را مورد تشویق قرار می‌دهد: «هَمَانَا تو از کَسَانِي هَسْتَ کَه در يارِي دَيْنِ از آنِهَا كَمَكَ مِيَگِيرَم و سَرْكَشِي و غَرُورِ گَناهَكَارَان رَا درِهِمَ مِيَكَوبِم و مَرْزَهَهَايِ كَشورِ اسلامِي رَا كَه در تَهْدِيدِ دَشْمَنِ قَرَارِ دَارَنَد حَفَظَ مِيَكَنَم.» سپس توصیه‌های لازم را در مسؤولیت فرمانداری بدو می‌نماید. در سیره عملی و شیوه مدیریتی امام علی (ع) نمونه‌های زیادی نیز وجود دارد که با کارگزاران مخالف بهشدت برخورد و آن‌ها را توبیخ نموده است. او در نامه‌ای به یکی از کارگزاران خود، وی را سخت مورد نکوهش قرار می‌دهد و بدو عتاب می‌کند: «به خدا سوگند اگر این کار راست باشد، در نزد من خوارشده و منزلت تو سبک گردیده است. پس حق پروردگارت را سبک مشمار و دنیای خود را با نابودی دین آباد نکن که زیانکارترین انسانی. آگاه باش، حق مسلمانانی که نزد من پا پیش تو هستند در تقسیم بیت‌المال مساوی است. همه باید به نزد من آیند و سهم خود را از من گیرند»[۶].

۲-۵- مورد دیگر سخنی است که امام با «علاء بن زیاد حارثی» از اصحاب خود دارد آنگاه که در بصره به عیادت «علاء» که بیمار بود رفت چون وسعت خانه او را دید فرمود: «با این خانه وسیع در دنیا چه می‌کنی؟ در حالی که در آخرت به آن نیازمندتری. آری اگر بخواهی می‌توانی با همین خانه به آخرت برسی. در این خانه وسیع، مهمانان را پذیرایی کنی، به خویشاوندان با نیکوکاری بپیوندی و حقوقی که بر گردن تو است به صاحبان حق برسانی، پس آنگاه تو با همین خانه وسیع به آخرت نیز می‌توانی پرداخت.»

### ۳- احیا و اقامه حق و دفع باطل

خداآن در قرآن کریم سفارش زیادی به برقراری حق و آشکار کردن آن نموده است و می‌فرماید: «قولوا الحق ولو على انفسكم» حق را بگویید حتی اگر به ضرر خودتان یا پدر و مادر و نزدیکانتان باشد. خداوند ضرورت احقيق حق را بیان می‌کند و از مهمترین و سختترین بخش‌های اجرایی هر سیاست یا حکومتی است. چراکه احقيق حق همواره با مبارزه با ناحق بوده است. اقامه و احیای حق و دفع باطل، از بزرگ‌ترین آرمان‌های حکومت از دید علی (ع) است و امام (ع) بارها مبنا و دلیل پذیرش حکومت را اقامه حق و ممانعت از باطل و مبارزه با آن اعلام نموده است. عبدالله بن عباس می‌گوید:

۳-۱- در منطقه «ذی قار» در گذرگاه جنگ بصره، شرفیاب محضر امیر مؤمنان (ع) شدم. دیدم نعلین خود را وصله می‌زند. در این حال رو به من کرد و گفت: این نعل چقدر ارزش دارد؟ در پاسخ گفتم: قیمتی ندارد. علی (ع) فرمود: «به خدا قسم! این نعل کهنه در نظر من ارزشمندتر از حکومت بر شمامست، مگر آن که بتوانم حقی را بر پادارم یا جلوی باطلی را بگیرم» [۶]. بدین ترتیب امام (ع)، اقامه حق و دفع باطل را اساسی‌ترین وظیفه خویش می‌شناسد و حکومت را برای تحقق حق به دست گرفته است. در سایه این وظیفه است که وظایف اصلی دیگر سامان می‌یابد و زمینه‌های سیر به سوی اهداف متعالی در دولت حق فراهم می‌شود و امنیت لازم به دست می‌آید و دین‌داری، معنایی حقیقی می‌یابد. شایان ذکر است «حق» در نهج البلاغه به دو طریق استعمال گشته است؛ یکی: حق در برابر ناحق به معنای «عدل» در برابر «ظلم»؛ دیگری حق به معنای «صحيح» در برابر باطل (ناصیح). عدم رعایت و ترک این دو وجهت توسط مردم، منشأ پیدایش جنگ‌های دوران حکومت امیر المؤمنین (ع) شد. امام (ع) پایه حکومت خویش را بر اساس اقامه عدل و بازگرداندن امور اجتماعی به مجاری اسلامی بنا نهاد. ایشان در مورد حق مداری پیامبر (ص) می‌فرماید: «و كان عوناً بالحق على صاحبه والعلن للحق بالحق» [۸]. «[پیامبر] کمک و یار حق بود و با حق، صاحب حق را کمک می‌کرد، اما نه به هر روشی، حتی باطل و ناصیح، بلکه به وسیله حق، حق را آشکار می‌ساخت». از دید امام (ع) نظر اکثریت همواره موفق و مقارن با حق و حقیقت نیست، امام پایه حکومت خود را بر پیروی از حق و اقامه آن نهاده بود و خود، محور و مفسر حق بود.

۳-۲- هم چنانکه به عمار می‌فرماید: «ای عمار! اگر دیدی علی از راهی رفت و همه مردم از راه دیگر، تو با علی برو و سایر مردم را رها کن. یقین بدان علی هرگز تو را به راه هلاکت نمی‌برد و از شاهراه رستگاری خارج نمی‌سازد» [۹].

### ۴- تحقیق عدالت و حاکمیت قوانین

قرآن رهبری جامعه اسلامی لوازمی دارد که مهمترین آن، اجرای عدالت در هنگام حکم کردن است. و در این باره می‌فرماید «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...» (نساء/۵۸)، «...و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید...».

خداآن در این آیه به زمامداران جامعه نسبت داده شده که به آنان امر می‌کند که در میان مردم به عدالت حکم کنند. ۴-۱- هم‌چنین در آیه دیگر «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص/۲۶): «ای داود، ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم، پس میان خلق خدا به حق حکم کن.» روایتشده است که پیامبر گرامی (ص) به امام علی (ع) فرمودند: «میان دو طرف در نگاه کردن و سخن گفتن مساوات برقرار کن» [۱۰].

از این تفسیر روش می‌شود که رعایت عدالت در نحوه حکمرانی حکمرانان جامعه اسلامی امری بسیار مهم است که علاوه بر آثار مثبتی که در جامعه و کشور اسلامی به جا می‌گذارد، تأثیرات اخروی نیز به همراه دارد.

عادلانه بودن و فraigیر بودن قوانین نمایانگر کیفیت تنظیم‌کنندگی می‌باشد که از اصولی اساسی حکمرانی خوب محسوب می‌شود. امام علی (ع)، عدالت را بر ترتیب اصلاح می‌داند: «عدل و عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد» [۱۱]. حضرت علی (ع) قوام و پایداری هر نظام سیاسی را رعایت عدل و انصاف در بین آحاد مردم و دوری از هرگونه تبعیض در بین طبقات مختلف جامعه می‌داند و به کارگزاران حکومتی خود توصیه‌های لازم را می‌نماید: «با افراد تحت حکومت خود با عدل و انصاف رفتار کن که اگر چنین نکنی، بر آنها ستم روا داشته‌ای» [۱۱]. در جای دیگر فرموده است: «عدالت را به کارگیر و از بی‌انصافی و بی‌عدالتی بر حذر باش که بی‌انصافی کردن با مردم آنان را آواره می‌کند و بی‌عدالتی به قیام مسلحانه و امی‌دارد» [۱۱]. حق قانون‌گذاری از آن خداست «قُلْ إِنَّمَا عَلَى بَيْتِنِّي رَبِّي وَكَدَّبْتُمْ بِهِ مَا عَنِيدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنَّ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقْصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ». (انعام/۵۷) خداوند می‌فرماید: «بگو من هر چه می‌گوییم با برهانی از سوی پروردگارم است و شما تکذیب

آن می‌کنید. عذابی که شما بدان تعجیل می‌کنید امر آن به دست من نیست، فرمان جز خدا را نخواهد بود، که به حق دستور می‌دهد و او بهترین حکم فرمایان است.» و خداوند قوانین خود را وضع می‌کند تا حکومت اسلامی با تنظیم قوانین توسط صاحبان امر، به خوبی مدیریت شود و مردم به‌وسیله آن در سایه قوانین الهی و امنیت حاصل آن، زندگی کنند.

۴- امام علی (ع) همچنین در خصوص رسیدگی به امور مردم بدون قوانین اضافی می‌فرماید: «در هر يامداد و شام ساعتی برای رسیدگی به امور رعیت معین کن و به سوالات آن‌ها شخصاً جواب ده» [۱۱].

با این توصیفات مشخص می‌شود امام علی (ع)، رسیدگی به مشکلات مردم به‌طور مستقیم و از نزدیک و به دوراز هرگونه برتری جویی حکام و قوانین اضافی و دست و پاگیر را یک اصل اساسی در حکمرانی می‌دانست و همواره آن را به کارگزاران خود خاطرنشان می‌ساخت.

یکی از این اموری که در این رابطه حضرت علی (ع) به آن توجه جدی داشتند، قانون مدار بودن و اجرای قانون الهی به معنای واقعی کلمه بود. اگر کسی برخلاف قانون عملی می‌کرده بدون در نظر گرفتن موقعیت و مقام وی، حدود الهی و قانونی را بر وی اجرا می‌کرد و هیچ واسطه و شفاعتی را نمی‌پذیرفت. همان‌طور که قبلًا خاطرنشان گردید ایشان در خطبه ۱۳۱ اهداف بلند خویش را از به دست گرفتن حکومت: گسترش معنویت، ایجاد امنیت و افزایش رفاه در جامعه (به خصوص احراق حق افراد استمدیده) و حاکمیت قانون، بیان می‌کند. نحوه برخورد حضرت علی (ع) با برادرش عقیل که سهم بیشتری از بیت‌المال را در خواست کرده بود، نشان‌دهنده پایبندی او به قداست و حرمت قانون الهی است. در حکمرانی حضرت علی (ع) به هیچ کسب ظلم و ستم نمی‌شود و همه در برابر قانون مساوی هستند، استواری او در برابر کسی که از راه دین وارد شده و می‌خواهد به ایشان رشوه بدهد به حدی است که می‌فرماید: «آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفریبی یا عقلت آشفته شده یا جن‌زده شده‌ای یا هذیان می‌گویی؟ به خدا سوگند، اگر هفت‌اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌هاست به من بدهند تا خدا را نافرمانی کنم و پوست جوی را از مورچه‌ای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد» [۱۱].

همچنین آن حضرت به یکی از مدیران خود که در بهره‌گیری از بیت‌المال قانون را رعایت نکرده بود نوشت: «خدا را سوگند که اگر حسن و حسین کاری همانند تو می‌کرددن، با آنان کمتر سازشی نمی‌کردم و با هیچ تصمیمی بر من چیره نمی‌شندند تا این که حق را از آنان بازمی‌ستاندم و باطلی را که از ستم آنان پیدید آمده بود، ناپدید می‌کردم.» در ذیل خطبه ۱۰۴ می‌فرماید: «به خدا سوگند درون باطلی را می‌شکافم تا حق را از پهلویش بیرون کشم» [۱۱]. در جایی دیگر به مالک اشتر می‌فرماید: «همیشه حق و عدالت را گرچه بر نزدیک و دور باشد اجرا کن و در این راه بربار و شکنیبا باش و عملت را به حساب خدا بگذار، اگرچه از اجرای حق به خویشان و نزدیکانت زیان برسد و همیشه به عاقبت حق بیندیش، زیرا که پایان حق ستایش‌انگیز است». حضرت علی (ع) در فرمان‌های خود به نمایندگانش بازها تذکر داده است که حرکت‌های خویش را در مستند مدیریت بر محور قانون شکل دهنند و به آنان توصیه می‌کرد که در جامعه اسلامی هرگز نباید ضابطه‌ها در برابر رابطه‌ها رنگ بیازند. یکی از اساسی‌ترین آرمان‌های حکومت علوی، تحقق و اقامه عدالت است و امام (ع) حکومت را به همین سبب پذیرفت: «وَ مَا أَخَدَ اللَّهُ عَلَى الْعِلَمَاءِ أَلَا يُقَارِرُوا عَلَى كِطَّةٍ ظَالِمٍ وَ لَا سَعْبَ مَظْلُومٍ لَلْقَيْثُ حَبَّلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسْقَيْتُ أَخِرَهَا بِكَأسٍ؛ اگر خداوند از عالمان پیمانی سخت نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمگر و گرسنگی ستمدیده، آرام و قرار نگیرند، بی‌تأمل رشته حکومت را از دست می‌گذاشتم و پایانش را چون آغازش می‌انگاشتم و چون گذشته، خود را به کناری می‌کشیدم» [۶]. عدالت ورزی از دید امام (ع) مایه‌روشنی چشم زمامداران و نفوذ محبت آن‌ها در مردم و استحکام حکومت می‌شود: «آنچه بیشتر دیده والیان بدان روشن است، برقراری عدالت در شهرها و میان مردمان، دوستی پدیدار شدن است. دوستی آنان آشکار نگردد، جز آنگاه که دل ایشان بی‌گزند شود و خیرخواهی آن‌ها راست نیاید، جز آنکه والیان را برای کارهای خود نگهدازند و دوام حکومت آنان را سنگین نشمارند و گفتگو از دیر ماندن آنان را بر سرکار و آگذارند» [۶].

**۵- کنترل فساد**

سیاست یا تدبیر و مدیریت امور باید مصلحانه و برای اصلاح امور فاسد باشد.

۱- خداوند از قول حضرت موسی (ع) می‌فرماید: «وَ قَالَ مُوسَى لِأَخْيَهِ هَارُونَ أَخْلَقْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» و موسی هنگام رفتن به کوه طور به برادرش هارون گفت در میان قوم من جانشینیم باش و کار آنان را اصلاح کن و راه فسادگران را پیروی مکن. (اعراف، آیه ۱۴۲) اصولاً پیامبران تلاش می‌کنند تا در سطح استطاعت خویش در اصلاح امور جامعه در همه حوزه‌ها از جمله اقتصادی و سیاسی بکوشند (هود، آیه ۸۸). در خصوص مبارزه با فساد، امام علی (ع) در میان حاکمان تاریخ بی‌نظیر است. امام علی (ع) در خصوص نقش حاکمان در جلوگیری از فساد فرموده‌اند: «همانا زمامدار امین خدا در زمین، برپاردنده عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد و گناه در میان مردم است» [۱۲]. ایشان درباره آنچه خلیفه قبل از بیت‌المال به خویشان خود بخشیده بود و امام آن را به مسلمانان بازگرداند، فرمود: «به خدا، اگر ببینم که به مهر زنان یا بهای کنیزکان رفته باشد، آن را باز می‌گردانم که در عدالت گشایشی است و آن که عدالت را بر تابد، ستم را سخت‌تر یابد» [۱۱].

۲- ایشان در نامه‌ای به زیاد بن ابیه جانشین فرماندار بصره فرموده است: «همانا من، به راستی به خدا سوگند می‌خورم، اگر به من گزارش کنند که در بیت‌المال خیانت کرده‌ای، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت‌گیرم که کم‌بهره شده و در هزینه عیال درمانی و خوار و سرگردان شوی» [۱۱].

۳- امام علی (ع) در ارتباط با سوءاستفاده مالی شریع بن الحارث قاضی کوفه می‌فرماید: «به من خبر دادند که خانه‌ای به ۸۰ دینار خریده‌ای و سندی برای آن نوشته‌ای و گواهانی آن را امضا کرده‌اند. ای شریع اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران و یا پولی حرام نخریده باشی که آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده‌ای» [۱۱].

۴- همچنین در نامه‌ای به مصدقه بن هبیره شبیانی فرماندار یکی از شهرهای ایران فرموده است: «به من گزارشی رسیده که تو غنایم مربوط به مسلمانان را که به‌وسیله اسلحه و اسب‌هایشان به دست آمده و خون‌هایشان در این راه ریخته شده در بین افرادی از قبیله‌ات تقسیم کرده‌ای. اگر این صحیح باشد در نزد من خوار خواهی شد و ارزش و مقدارت کم خواهد بود» [۱۱]. برقراری عدالت به تعبیر امام، اقامه حدود الهی است که در سایه آن همه چیز احیاشده و راست می‌گردد. به باور ایشان نقض عدالت چنین است: «جعل اللہ سبحانہ العدل قوام الانما و تنزیها من المظالم و الأثام و تسنیة للإسلام؛ خدای سبحان عدالت را مایه استواری انسان‌ها و ستون زندگانی آن‌ها و سبب پاکی از ستمکاری‌ها و گناهان و روشنی چراغ اسلام قرارداد» [۱۲].

**۶- تأمین امنیت و ثبات سیاسی و نبود خشونت**

در قرآن یکی از نشانه‌های حکومت جور و باطل، وجود ناامنی و فساد و ناتوانی در امنیت است: «وَ إِذَا تُولِي سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يَهْلِكَ الْجَرَثَ وَ النَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادِ». (بقره/۲۰/۵) «هنگامی که قدرت می‌یابند، در راه فساد در زمین می‌کوشند و زراعتها و چهارپایان را نابود می‌سازند؛ خدا فساد را دوست نمی‌دارد». در برابر این حکومت، حکومت‌های حق، خواستار امنیت و رفاه عمومی هستند؛

۷- برای نمونه وقتی ابراهیم (ع) به منصب امامت رسید: «قال إِنَّى جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَاماً»(بقره/۱۲۴) تأمین امنیت و رفاه عمومی را خواستار شد: «وَإِذَا قَالَ إِبْرَاهِيمَ رَبِّ الْجَنَّاتِ هَذَا بَلَدًا أَمِنًا وَأَرْقَ أَهْلَهُ وَ مِنَ الشَّمَراتِ مَنْ أَمَنَ مَنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (بقره/۱۲۶) و «به یاد آر هنگامی را که ابراهیم عرض کرد: پروردگاران این سرزمین را شهری امن قرار ده خدا و برای کسانی که به روز بازی‌سین ایمان آورده‌اند از ثمرات روزی ده.» خداوند نیز به حکومت‌های حق یاری می‌رساند و امنیت ایشان را تأمین می‌کند؛ امنیت، مبتنی بر نظم و قانون الهی همواره مورد تأکید امام علی (ع) و از اهداف و آرمان‌های عالیه ایشان بود. امام مانند سایر اندیشوران اسلامی، به خاطر ضرورت وجود امنیت و قدرتی نظم آفرین، معتقد به محل بودن عدم وجود حکومت است امیر مؤمنان (ع) عدم وجود نظم اجتماعی و قانون‌مداری و به دنبال آن برقراری امنیت را از اسارت انسان در چنگال حیوانی درنده بدتر می‌داند و می‌فرماید: «امام عادل خیر من مطر وابل و سَبَعْ حطوم اکُولُ خيرٌ من والٍ غشوم ظلوم و والٍ غشوم ظلوم خيرٌ من فتنه تدوم» [۱۳].

«پیشوای دادگر، از باران پیوسته [که همه چیز را بارور می‌کند] بهتر است و جانور درنده و آدم‌خوار، از فرمانروایی ستمکار بهتر است و فرمانروای بیدادگر از ادامه هرج و مرچ نیکوتراست» [۱۳]. با توجه به استنادات قبلی، امیر مؤمنان (ع) فراهم کردن امنیت همه‌جانبه را مقصد اساسی می‌دانست که در سایه آن رشد و تعالی مردمان سامان می‌یابد. هر چه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد در دوران حکومت خویش، هرگز دست به خشونت نزد و همواره می‌کوشید که اختلافات از قدرت در زمان خلفای سه‌گانه و چه در دوران حکومت خویش، هرگز دست به خشونت نزد و همواره می‌کوشید که اختلافات را از طریق گفت‌و‌گو و روش‌های مسالمت‌آمیز حل کند؛ اما روش حکومت امام علی (ع) مهربانی و مهروزی عاطفی و معنوی

با مردم، توجه به نیازها و مشکلات آنان و تلاش برای خدمت به خلق خدا بود: چنان‌که در نامه خود به مالک اشتر چنین نوشت: «دلت را برای رعیت پر از لطف و مهر و محبت کن و بر آن‌ها درنده آزاردهنده‌ای مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری»[۱۱]. از نظر حضرت علی (ع) مهریانی و محبت با مردم در جذب دل‌ها و اداره کردن انسان‌ها نقش ارزنده‌ای دارد و باعث می‌شود زمامدار بر قلوب مردم حکومت کند. این‌یک اصلی اسلامی است که امام سخت به آن وفادار بود و به آن به عنوان یک اصلی مهم در حکمرانی می‌نگریست. خشونت و سخت‌گیری مردم را دلسرب و گوشه‌گیر می‌کند و مشروعيت حاکم را از میان می‌برد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید که پیامبر چون مهریان بودی همه به سمت تو گرایش دارند و اگر سخت دل بودی همه از دور تو پراکنده می‌شند. «فَيَمَا رَحْمَةٌ مِّنَ اللَّهِ لِنَتَ لَهُمْ، وَلَوْ كُنْتَ فَطَّأَ عَلَيْظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ، فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ». امام علی (ع) خونریزی و خشونت را موجب کیفر الهی و سبب زوال نعمت و کوتاهی عمر حکومت معرفی می‌کنند و آن را نه تنها سست کننده پایه‌های حکومت، بلکه از بین برنده آن می‌دانند. هم‌چنین در جایی دیگر می‌فرماید: «در حکومت اسلامی، ظلم حتی بر مورچه پذیرفتی نیست»[۱۱].

## ۷- اثربخشی دولت

در این سیاست، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهری و میزان استقلال آن‌ها از فشارهای سیاسی مدنظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خطمشی‌های عمومی و دولتی و میزان تعهدی که دولت نسبت به این سیاست‌ها دارد، در این شاخصی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. هر چه کیفیت خدمات عمومی و شهری و خطمشی‌های عمومی به‌دوراز جنجال‌های سیاسی وضع و اجرا شوند و تعهد نظام سیاسی در قبال آن‌ها بیشتر باشد، نشان‌دهنده وضعیت بهتر حکمرانی است؛ به عبارت دیگر مفهوم اثربخشی به توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیم‌های مدیریتی درباره حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی اشاره می‌کند. افزون بر آن کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال آن‌ها از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران را بیان می‌کند.

۷-۱- خداوند در قرآن کریم سوره حشر آیه ۷ می‌فرماید: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرْبَى فَلِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَإِنِّي السَّبِيلُ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَهُ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ...» خداوند اموال و غنائم جنگی را مختص پیامبر (ص) و خاندانش و مساکین و یتیمان می‌داند و از گردش یا یک جاماندن پول در دست عده‌ای از اغنياء مردم را بر حذر می‌دارد. لزوم تأمین امکانات اولیه برای نیازمندان، توجه به آنان است به گونه‌ای احسن که عزت نفس آن‌ها حفظ شود و آن‌ها همه به طور عادلانه‌ای از اموال سهم داشته تا ثروت‌ها دست عده‌ای از صاحب منصب‌ها موقعیت طلب نباشد. و برای اثر بخشیدن به کار دولت ابتدا طبقه کم‌درآمد جامعه مورد حمایت قرار گیرند تا حمایت‌های بیشتری از دولت به عمل آورند.

۷-۲- حضرت علی (ع) در صدر منشور خود خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: «این فرمانی است از علی امیرالمؤمنین به مالک اشتر فرزند حارث در پیمانی که با او می‌بندد. هنگامی که او را به حکومت مصر می‌گمارد تا خراج آن دیار را جمع آورده و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح و شهرهای مصر را آباد سازد»[۱۱]. از نظر امام علی (ع)، مملکتی که از جهت دریافت مالیات، از نظر هزینه و بودجه تأمین است، از لحاظ دفع دشمن نیز قدرت جهادی و توان دفاعی قوی را دارد و در این صورت هم کار مردم اصلاح می‌شود و هم شهرها آباد می‌گردد. امام علی (ع) در مبحث جمع‌آوری مالیات و اخذ خراج، در عهدنامه مالک، تأکید بسیاری بر توجه حکومت به تولید و عمران دارد. امام علی (ع) در خطبه چهلم که خطاب به خوارج ایراد شده، به مباحث مهمی درباره حکومت و ضرورت آن و از جمله هفت وظیفه حاکم عادل الهی اشاره می‌کند: «به‌وسیله او اموال بیت‌المال جمع‌آوری می‌گردد تا هزینه‌های دفاعی و عمرانی و انتظامی فراهم شود، به کمک او با دشمنان مبارزه می‌شود، به‌وسیله او جاده‌ها امن می‌گردد و حق ضعیفان به کمک او از زورمندان گرفته می‌شود»[۱۱]. ایشان به نظارت و بازرگانی کارگزاران خویش برای اثربخشی بیشتر دستورات خود توجه بسیاری داشتند به‌طوری که آن حضرت همیشه به فرمانداران خود توصیه می‌نمودند که افرادی خبره و متعهد و امین به عنوان بازرسی به صورت آشکار و پنهان، کار عاملان و کارمندان حکومتی را موردن بررسی قرار دهند و آنچه را که مشاهده نموده‌اند، به فرمانداران گزارش دهند[۱۴].

**۸- روش سیاسی امام علی (ع) در مواجهه با توطئه داخلی**

خداؤند در رابطه با مخالفت با دشمنان داخلی یا خارجی ابتدا راه جدال احسن را مطرح می‌کند. «اَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمُؤْعَظَلَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلُهُمْ بِالْتَّيْهِ هَيَ أَحْسَنُ إِنْ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَاصْبِرْ وَمَا صَبَرْ كَإِلَّا بِاللَّهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهَمَّدِينَ؛ وَ بِهِ راه پروردگار بخوان و آن‌ها را به حکمت و موعظه حسن دعوت کن و با شیوه نیکوتر جدال کن و پروردگار تو قطعاً آگاه‌تر است به هرکسی که گمراه شد از راهش و صبر کن و صبر تو جز بر خدا نیست و او آگاه‌ترین به هدایت یافتنگان است». خداوند در این آیه تأکید دارد که خود داناترین است به احوال گمراهان یا هدایت یافتنگان، بنابراین در موقع بروز مخالفتها باید بهترین شیوه‌ها را برگزید. حضرت امام علی (ع) در روش و شیوه سیاسی خود از بهترین و عادلانه‌ترین راهها استفاده می‌کردند. ایشان در یکی از خطبه‌های خودمی فرمایند: «وَفَاعِيَ بِهِ عَهْدِ وَپِيَمانِ وَصَدَاقَتِ وَرَاسْتِيِ، اَيْنِ دُوْ قَرِيبِ يَكْدِيْغَرِنَدِ. مِنْ سَبِيلِي بِهِتَرِ اَزْ وَفَا سَرَاغِ نَدَارِمِ. كَسِيَ كَهْ بِهِ بازْگَشتْ بِهِسَوِيِ خَدَا وَرَوزِ قِيمَتِ اِيمَانِ داشْتَهِ باشَدْ هَرَگَزْ با مردمِ با غَدَرِ وَفَرِيبِ رَفَتَارِ نَمِيَ كَنَدِ. در روزگار ما بعضی از نادانان خدمعه و فریب را یک نوع حسن سیاست و حسن تدبیر به حساب می‌آورند. گاه هست که اشخاص بصیر به تحولات و گردش امور هم راه حیله و نقشه شیطانی را می‌دانند ولی امرونه‌ی الهی مانع به کار بردن آن نقشه شیطانی است، لهذا در عین قدرت و توانایی کامل از به کار بردن آن صرفه نظر می‌کنند، ولی آن‌ها که پایبند دین و حقیقت نیستند انتظار این‌گونه فرصت‌های شیطانی را می‌کشند که در موقع خود استفاده کنند». این خطبه در توضیح و دفاع از روش مخصوصی است که حضرت در سیاست و اداره امور خلافت به کار می‌برد. از همان ابتدا که زمام امور را به دست گرفتند بعضی از دوستان و علاقه‌مندان ایشان راجع به دو موضوع پیشنهادهایی داشتند و در حقیقت به سیاست آن حضرت اعتراض داشتند. در ابتدای خلافت امام علی (ع) متهم جنگ‌های ناخواسته شدند و این شرایط را دشمن ایجاد کرد. آن حضرت در آن مدت پرآشوب خلافت، دشمنانش ایشان را به دو کار متهم می‌کردند که آن حضرت از آن‌ها بری بود و بلکه مسئول آن دو کار خود می‌نمودند: یکی خون عثمان که مستمسک اصحاب جمل و اصحاب صفين بود، درصورتی که خود آن‌ها در آن کار دست داشتند و یکی داستان حکمین که مستمسک خوارج بود و خود آن‌ها به وجود آورنده آن داستان بودند [۱۵].

**نتیجه گیری**

هر حکومتی برای رسیدن اهداف خود نیاز به تدبیر و اداره امور مربوط به حکومت دارد. حضرت علی در مدت کوتاه خود بهترین نوع حکومت را دارا بود. نمونه‌هایی از سیاست‌های این امام؛ معیار انتخاب افراد شایسته برای مناصب اداری امانتداری و توانایی و مسئولیت‌پذیری بود، برای نظارت بر افراد مانع از دنیازدگی آنان و پیروی از وسوسه‌های شیطان می‌شد، ایشان مبنا و اهداف تشکیل حکومت را اقامه و احیای حق و دفع باطل و ریشه‌کن کردن فساد می‌دانست، اگر اصلاحی با عدالت باشد همه چیز را در برمی‌گیرد، حکومت ایشان حکومتی الهی بود پس عاری از هرگونه نامنی، فساد و ناتوانی در امنیت بود، کیفیت خدمات عمومی و شهروندی در بهترین وضع ممکن قرار داشت دولت نیز در قانون‌گذاری، داوری دادگاهها، تصمیم‌های مدیریتی قاطعیت بالایی داشت، ایشان در مواجهه با دشمنان داخلی نیز جدال احسن را به کار می‌برد.

## منابع و مراجع

- [۱] معجم مقایيس اللغة، ص ۱۱۹؛ لسان العرب، ص ۳۰.
- [۲] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیرنمونه، جلد ۴، ص ۳۰.
- [۳] خواجه سروی، غلامرضا، زارعی محمودآبادی، حسن (۱۳۹۳) «فرهنگ سیاسی مطلوب در فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، ش ۹.
- [۴] جرج، جرداق (۱۳۷۰). علی صدای عدالت انسانی، ترجمه‌هادی خسروشاهی، ج ۱، بی‌تا: بی‌نا.
- [۵] ثوابق، جهانبخش (۱۳۸۰) «امام علی (ع) کارگزاران حکومت و راهکارهای اصلاحات» حکومت اسلامی، ش ۲۲.
- [۶] دلشداد تهرانی، مصطفی، تفسیر موضوعی نهج‌البلاغه، ویراست دوم، ۱۳۹۲ قم: نشر معارف، ص ۹۵-۱۰۰.
- [۷] اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۹) «آرمان‌های حکومت از دیدگاه امام علی (ع)»، حکومت اسلامی، ش ۱۷.
- [۸] علوی، سید ابراهیم، مجموعه مقالات اصول و شیوه‌های حکومت اسلامی، ص ۱۶۰.
- [۹] کنز العمل، جلد ۱۲، حدیثش ۱۲۱۲، حیدرآباد.
- [۱۰] طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیرالمیزان، ق ۵۳۶.
- [۱۱] دشتی، محمد، نهج‌البلاغه، تهران؛ سنبله، ۱۳۸۶.
- [۱۲] عبدالواحد التمیمی الامدی، شرح غررالحكم و دررالکلم، جلد ۴، ص ۳۱۸.
- [۱۳] حکومت حکمت، ص ۶۰، به نقل از ابو عبدالله محمد بن سلامه القضاوی به دستور معالم الحكم و ماثور مکارم الشیم، الطبعه الاولی درالكتاب العربي، بیروت، ص ۲۱.
- [۱۴] عبدالواحد التمیمی الامدی، شرح غررالحكم و دررالکلم، ترجمه محمد علی انصاری، دوچند در یک مجلد، تهران: بی‌تا، تاریخ مقدمه ۷۶، ص ۳۸۹.
- [۱۵] مطهری، مرتضی، حکمت ها و اندرز ها، قم: صدرا، ۱۳۹۵، ص ۱۳۵.